

الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات با تحلیل آثار کامران پارسی‌نژاد و آتوسا صالحی

ناهِید کهن^۱

فاطمه آگاه^۲

ثمینه بهادری جهرمی^۳

چکیده

رابطه بین ادبیات و اجتماع از زمان‌های گذشته تا به زمان ما رابطه‌ای دوسویه است برای بهتر یافتن اثرهای ادبی باید وضع تاریخی اجتماعی فرهنگی و فرق‌ها و تفاوت‌های فکری و اخلاقی را دریافت تا به درک کامل از فکر و اثر یک شاعر یا نویسنده پی برد این همان مسئله‌ای است که در نگاه‌ها و عقاید جدید ادبی مطرح شده است اثر در بافتی از زمین یا فرامتنی قرار می‌گیرد که خودآگاه و ناخودآگاه تحت تأثیر آن است. متن در بافتی از زمینه یا فرامتن قرار می‌گیرد که خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تأثیر آن می‌باشد. هدف پژوهش، بررسی مقایسه‌ای آثار کامران پارسی‌نژاد و آتوسا صالحی از دیدگاه الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات است. نتایج پژوهش بازتاب الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات در آثار کامران پارسی‌نژاد و آتوسا صالحی در قالب چهار رویکرد «هستی‌شناسی»، «روش‌شناسی»، «ایستایی‌شناسی» و «پویایی‌شناسی» می‌باشد. در آثار کامران پارسی‌نژاد همچون: «تو را خانه‌ای هست»، «خورشید می‌ماند» و «خورشید در آتش» عنصر «هستی‌شناسی» الگوی تخیل جامعه‌شناختی مشاهده می‌شود. در کتاب‌های آتوسا صالحی همانند: «کوچ روزبه» و «یکی نبود، یکی بود» بسامد به کارگیری عنصر «پویایی‌شناسی» الگوی تخیل جامعه‌شناختی بیش‌تر است. بازتاب الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات، در آثار کامران پارسی‌نژاد بیش‌تر از آتوسا صالحی نمود می‌یابد، زیرا ساختار جامعه و ملزومات آن بیش‌تر در آثار کامران پارسی‌نژاد انعکاس یافته است.

واژگان کلیدی

آتوسا صالحی، کامران پارسی‌نژاد، ادبیات، جامعه، تخیل.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

Email: Nahid.kohan@iau.ir

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: 2299065520@iau.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

Email: Sa.bahadori@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۲/۱۴

طرح مسأله

با تحقیق و بررسی هر واقعیت اجتماعی تفاوت جامعه‌شناسان با دیگر دانشمندان حوزه علوم انسانی در به‌کارگیری آگاهی کامل جامعه‌شناسی از طرف آنان است. محققان اجتماعی با رشد بینش جامعه‌شناسی خود می‌توان من از طریق دیگر راه‌های زندگی اجتماعی جامعه و مسأله‌های آن را مورد بررسی قرار دهند تا جایی که پیوند جدا نشدنی و مشارکت مداوم بین جامعه و ادبیات این دو مورد را مانند آینه‌ای در مقابل هم قرار می‌دهند و شناخت یک مورد را وابسته به مورد دیگر می‌دانند. با توجه به پژوهش‌هایی که درباره‌ی الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات صورت پذیرفته است، باید این‌گونه بیان کرد که این نظریه هیچ‌گاه در آثار کامران پارسی‌نژاد و آتوسا صالحی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و نگارنده این پژوهش با در نظر گرفتن این خلأ پژوهشی انجام تحقیق پیرامون این موضوع را ضروری می‌انگارد.

پیشینه پژوهش

درباره مبحث الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ اما هیچ‌گاه این پدیده در آثار کامران پارسی‌نژاد و آتوسا صالحی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. پژوهش‌های انجام شده عبارتند از:

۱- اکرمی در پژوهشی نگاهی به مجموعه شعر آتوسا صالحی می‌اندازد. برای ورود به قلمرو شعر آتوسا صالحی و تماشای چشم‌اندازی که زیر بارش باران واژه‌ها جان گرفته بود، پنجره‌های ناگشوده فراوانی وجود دارد. بی‌درنگ به سراغ «حادثه در شعر» رفتیم. آتوسا صالحی به حوادثی در حوزه موسیقی، عاطفه، تخیل و اندیشه می‌پردازد. حوادثی که با فرآیندی ژرف با عنوان زبان در می‌آمیزد و ساختمان شعر را ایجاد می‌کند.

۲- بخارایی و توکلی در مقاله‌ای این‌گونه اظهار می‌کنند که در ادبیات اجتماعی تخیل اجتماعی معنا و مفهومی تازه و جدید است که از طرفی ساختارهای اجتماعی آن را مشخص می‌کند و از طرف دیگر خود در ساخت فرآیندهای اجتماعی نقشی بسزا دارد رسانه‌ها یکی از تعیین‌کننده‌های اجتماعی به‌وجودآورنده‌ی تخیل است

۳- در مقاله‌ای این‌گونه نوشته‌اند که رمان پری‌چهر رمانی اجتماعی است که نویسنده تحت تأثیر ساختار جامعه تحت تأثیر ساختار جامعه‌ای که در آن زندگی کرده به خلق آثاری پرداخت که در آن تصویر اجتماع را می‌توان تماشا کرد. م مؤدبپور در این رمان مشکلات زیاد زندگی در زمان حاضر را در قالب داستان به تصویر کشانده است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی است.

مبانی تحقیق

ادبیات و نظام اجتماعی

در این حیطه با دو گونه پژوهش در ارتباطیم. گونه نخست، پژوهشی است که به ادبیات از زاویه کارکردی که در جامعه دارا است و با توجه به قشرهای اجتماعی گوناگون می‌نگرد. در بعضی جوامع، ادبیات با دیگر نمودهای اجتماعی ترکیب شده است و نمی‌توان گفت که گوهری مستقل از مراسم دینی یا فرقه‌ای است. دومین گونه، بررسی شکل قالب‌ها یا انواع ادبی است. حماسه، شعر غنایی، نمایشنامه و رمان هر یک به گونه‌ای خاص با سرنوشت اجتماعی ویژه‌ای پیوند دارند. طرح مسائل مربوط به انزوای فردی، احساس امنیت جمعی، خوش‌بینی یا نومیدی اجتماعی، گرایش به خوداندیشی روانی یا پیروی از چند ارزش عینی را می‌توان اموری دانست که به بازنگری در شکل‌های ادبی از منظر موقعیت‌های اجتماعی ختم می‌شود. (لوونتال، ۱۳۹۰: ۳)

مسائل اجتماعی در حکم مواد ادبی

هر جامعه‌شناسی که به ادبیات علاقه دارد و در تحلیل ادبیات ناب صاحب تجربه است فقط به تفسیر متون ادبی که ماهیتی جامعه‌شناختی دارند، قانع نمی‌شود و بررسی پیامدهای اجتماعی درونمایه‌ها و بن‌مایه‌های ادبی را نیز که به زندگی عامه مردم یا امور جمعی مربوط نمی‌شوند را ضروری می‌داند. وظیفه جامعه‌شناس ادبیات این است که بین تجربه‌های شخصیت‌های خیالی و فضای خاص تاریخی که منشأ آن تجربه‌ها می‌باشد، رابطه برقرار می‌سازد و تأویل ادبی را به بخشی از جامعه‌شناسی شناخت تبدیل می‌کند. جامعه‌شناس ادبیات باید بتواند بر اساس معادله خصوصی درونمایه‌ها و فنون سبکی، معادلات اجتماعی بنویسد.

ویژگی‌های نظریه لوسین گلدمن

هنر و جامعه پیوسته بر روی هم اثر متقابلی دارند و ادبیات نیز از این قاعده مستثنا نیست. ادبیات به واسطه ماده اساسی آن-یعنی زبان- ذاتاً پدیده‌ای اجتماعی است و این که آیا باید به ادبیات به عنوان بازتاب‌دهنده تصویر واقعی از جامعه‌ای که آثار در آن به وجود می‌آید، نگاه کنیم یا خیر، پرسش بنیادین در پژوهش‌های جامعه‌شناسی ادبیات است.

اجتماع و تخیل

در ادبیات اجتماعی تخیل اجتماعی مفهوم تازه و جدیدی است که از طرفی ساختارهای اجتماعی آن را مشخص می‌کند و از طرف دیگر خود نیز در ساخت فرآیندهای اجتماعی نقش حیاتی دارد. موضوع تخیل در گذشته صرفاً در اختیار عرفان و تا حد بسیاری روان‌شناسی بوده‌است، اما مطالعات اجتماعی در عین این که ساخته‌شده از طریق تعینات اجتماعی و سازنده این تعینات است و باید نقش آن را در کار ساختار اجتماعی و باز کردن آینده‌های ممکن مهیا ساخت. تخیلات زمینه جریان‌های اجتماعی است افکار عمومی را به وجود می‌آورد و آرزوها و آرمان‌های جدیدی را شکل می‌دهد به همین دلیل شناختن تخیلات اجتماعی و تعینات اجتماعی در به وجودآوردن آن اهمیت بسیار بسزایی دارد. (شریعتی، ۱۳۸۶: ۵۵-۴۸)

تخیل و ادبیات

ادبیات بازآفرینی هنرمندانه واقعیت‌ها می‌باشد اصلی‌ترین ماده ادبیات زبان است زبان ابزاری برای برقراری ارتباط و مناسبات اجتماعی است. از دیدگاه بسیاری از محققان ادبی برای درک و شناخت آثار ادبی باید اوضاع تاریخی اجتماعی سیاسی فرهنگی و حتی تفاوت‌های فکری و اخلاقی هر زمان را شناخت تا به درک درست از اندیشه و فکر و اثر یک شاعر یا نویسنده رسید این موضوع همان مسئله‌ای است که امروزه در نظریه‌های نو و جدید ادبی بیان می‌شود متن دریافتی از زمینه با فرامتن قرار دارد که خودآگاه و ناخودآگاه تحت تأثیر آن بوده و یک متن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن زمینه آن مورد بررسی قرار داد.

آتوسا صالحی

آتوسا صالحی شاعر، نویسنده، مترجم و ویراستار کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. او فعالیت حرفه‌ای خود را با مجله‌ی سروش نوجوان آغاز کرد و بعدها با نشریه‌هایی چون مجله‌ی همشهری، هفته‌نامه و روزنامه‌ی آفتابگردان، روزنامه‌ی شرق و ایران همکاری کرد.

کامران پارسی‌نژاد

کامران پارسی‌نژاد در شهر تهران به دنیا آمد. دیپلم خود را در رشته‌ی علوم تجربی دریافت کرد و سال‌ها بعد در رشته‌ی ادبیات انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبائی به تحصیل پرداخت. وی در همان سال‌ها به خلق شعر و داستان کوتاه به زبان‌های انگلیسی و فارسی مبادرت ورزید و در جنگ‌های دانشجویی حضوری فعال داشت.

بحث

تحلیل نمونه‌ها

بررسی الگوی تخیل جامعه‌شناختی آثار کامران پارسى نژاد

بازنویسی روایت‌های قدیمی به شناخت هویت ملی و آثار بی‌نظیر ادبی کمک می‌کند در دنیایی پر از مشغله، نویسنده‌ها با کمک بخشی از کار شناخت و مشخص نمودن هویت ملی ایران نقش بسزایی در شناخت کودکان و نوجوانان ایفا نموده‌اند. یکی از هدف‌های مهم بازنویسی لذت بردن مخاطب از متن‌ها و مفاهیم آن است اگر این بازنویسی‌ها بتوانند بر فضایی را بر مخاطب خود یادآوری نمایند می‌توانند روزنه‌ای را به دنیای جدید به وجود آورند تا کودک از این دریچه بتواند بدون آن‌چه در گذشته بوده و زندگی کرده باشد این فضا را به‌درستی دریابد.

الف) تو را خانه‌ای هست: روایت زندگی شیخ بهایی عالم بزرگ جهان تشیع می‌باشد. محمد جوانی از جبل عامل لبنان است که همراه با پدرش عزالدین حسین، یکی از علمای بزرگ لبنان، در دوران حکمرانی شاه طهماسب به ایران مهاجرت کرده است و با هوش و نبوغ فراوانی که دارد، معماری شگفت‌انگیزی را در ایران بنا نهاده است و در دانش‌های مختلف زمان خود چون: نجوم، علم جفر، داستان‌نویسی، شعر، ریاضیات، فقه و علم الحديث، سرآمد عصر خویش می‌شود. «عزالدین حسین بلند شد. بچه‌ها سراسیمه به سمت در دویدند. محمد خود را به پدر رساند. تا خانه مسافت زیادی را باید طی می‌کردند. حالا صدای سم اسبان عثمانی‌ها بود که هر لحظه نزدیک‌تر می‌شد. ترسیده بودند و به پشت سرشان نگاه نمی‌کردند. باد در تاریکی شب زوزه می‌کشید. صدای شبیه اسبان می‌آمد و فریاد مردان و زنان وحشت‌زده‌ای که بی‌هدف در گل و لای می‌دویدند تا شاید بتوانند به دامنه کوه بلند پناه ببرند، تا شاید خود را به دره ابوکسلان و یا ماجور برسانند، تا شاید بتوانند جان خود را نجات دهند. از دل تاریکی بیرون زدند. وارد میدان اصلی روستا شده بودند. نیمی از دکان‌ها در آتش می‌سوختند. سربازان عثمانی مشغول قتل عام روستاییان بودند. عزالدین حسین، دست محمد را محکم گرفته بود. عبدالصمد پشتشان می‌آمد. باید از میدان می‌گذشتند» (پارسى نژاد، ۱۳۹۷: ۱۲).

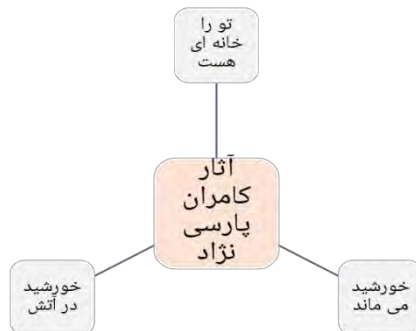
ب) خورشید می‌ماند. اثر خورشید می‌ماند، ماجرای بر مبنای مستندات تاریخی از زندگی شیخ بهایی، فقیه، ریاضیدان و معمار بزرگ عصر صفوی می‌باشد. شیخ بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی از اندیشمندانی می‌باشد که در بنیان نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد بسیار کوشیده است. داستان با کودکی شیخ در مکتب‌خانه، آغاز می‌شود و با غروب زندگی او پایان می‌یابد؛ اما خورشید می‌ماند. کامران پارسى نژاد نویسنده کتاب می‌کوشد با استناد به منابع و مستندات محکم تاریخی، فرازهایی از زندگی شیخ بهایی را از دوران کودکی این دانشمند مسلمان تا زمان رحلت او یادآور

شود و نشان دهد با رفتن وی به دیار باقی، راه او همچون خورشیدی فروزان پایدار خواهد ماند. مقدمه بسیار کوتاه کتاب خورشید می‌ماند، ماجرای از زندگی شیخ بهایی، نقل قولی از ملا محمدتقی مجلسی می‌باشد که در آن آمده است: «بهاءالدین استاد کسی بوده است که از او استفاده نمودم، او چون پدری بزرگوار بود. وی در دوره خود شیخ‌الطائفه و جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن بود و حافظه بسیار عالی داشت. من نیز شخصی را مانند او که بسیاری از علوم و فضایل و مقامی بزرگ در زمان باشد را ندیدم. او دارای کتاب‌های گرانبهایی است که از می‌توان به حبل‌المتین و مشرق‌الشمسین اشاره کرد، حتی این شرح فقیه هم از فایده‌های کار اوست. من روزی وی را در خواب دیدم که فرمودند چرا مشغول نمی‌شوی به تفسیر احادیث اهل‌بیت(ع)؟ گفتم این کار شماست، فرمودند: زمان ما گذشته است. مشغول باش و یک سال از مباحثات دور باش تا آن را به اتمام رسانی». (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۴)

ج) خورشید در آتش، کتاب «خورشید در آتش» از مجموعه مفاخر ملی-مذهبی، آمیخته با تخیل بر زندگی خواجه نصیرالدین طوسی است. آسمان، شعری است پر از کلمات نورانی و او شاعر این شعر است. کودک است. همه برای شفای پدرش دست به آسمان بلند کرده‌اند؛ آسمانی که دنیای شگفت ستارگانش، او را به خود خواهد خواند. اما او می‌داند که پدرش رفتنی است و همانجاست که آرزو می‌کند ای کاش پزشک بود. پدر هنگام مرگ از او درخواست می‌کند که به نیشابور مسافرتی برود، زیرا می‌داند که طوس دیگر برای هوش سرشار محمد کوچک شده است. پس از این زندگی‌اش همواره در سفر و تحصیل علم و معرفت سپری می‌شود. صحنه‌ی دیدار خواجه نصیرالدین طوسی با عطار نیشابوری و گفتگویشان با شعر، یکی از خواندنی‌ترین فصل‌های کتاب است. نصیرالدین از محضر استادانی چون امام سراج‌الدین، فریدالدین داماد و قطب‌الدین مصری علمی می‌آموزد. «در میانه راه لشگریان خلیفه به فرماندهی فتح‌الدین راه را بر آنان بستند. نبرد شروع شده بود. صدای چکاچک شمشیرها به گوش می‌رسید. ناله‌ی زخمی‌ها بود و اسب‌های بی‌سوار. تیرهای بر زمین نشسته و خون... خواجه نصیرالدین چشمانش را بست. سیل خونی را که پیش از این بارها در خواب دیده بود، در نظر آورد. نزد هلاکو رفت؛ اما هرچه کرد نتوانست او را آرام کند. همه قتل عام شدند، به جز یک تن. آن یک نفر را مقابل هلاکو بر زمین انداختند» (پارسی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۳). ساختار نظری این تحقیق را شیوه و الگوی تخیل جامعه‌شناسی تشکیل می‌دهد؛ روشی که با الهام از چهار ساختار نظری «تخیل جامعه‌شناختی میلز»، «سنخ آرمانی وبر»، «تخیل دیالکتیکی جی» و «تعریف «بودن» و «بوریکو» از نظریه به معنای پارادایمی آن بنیاد نهاده شده است (رک. تنهایی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). میلز در قالب شیوه و الگوی تخیل جامعه‌شناسی مطرح می‌کند که هر مسأله جامعه‌شناختی باید در رابطه با پدیده‌های اجتماعی و در تمام حالات ایستایی و پویایی خود مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. طبق الگوی

آرمانی وبر، هر محقق حوزه علوم اجتماعی به الگویی پیش‌برنده نیازمند است. همچنین، جی در اثر تحلیلی با ارزش خود به نام تخیل دیالکتیکی، مجموعه تفکرات نظریه‌پردازان این حوزه را به معنای مجموعه‌های مفهومی و نظری دیالکتیکی به گونه‌های منظم و تصویرسازی شده مشخص می‌کند. تقسیم‌بندی «بودن» و «بوریکو» از نظریه به معنای دقیق آن و نظریه به معنای پارادایمی آن، چهارمین منبع الهام‌بخش برای ساخت الگوی تخیل جامعه‌شناختی نظری است؛ اما دور از منابع مؤثر، پایه هر تخیل جامعه‌شناختی نظری را چهار قلمرو یا جستار نظری و مستقل و در عین حال، مرتبط با هم شکل می‌دهد.

در قلمروی هستی‌شناسی، متن داستان «خورشید می‌ماند» کامران پارسی‌نژاد، علایم و نشانه‌های گوناگونی از خداباوری و ایمان به خدا و بزرگان مذهب را در خود قرار داده است که به روشنی نشان می‌دهد که او مسلمان است و به خدا ایمان کامل دارد: «گفت: دستی که قدرت نوشتن ندارد، دیه هم ندارد. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: دانش نویسنده در قلمش جلوه‌گری می‌کند. شما به خوبی آگاه هستید پروردگار مهربان به چه چیزی قسم خورده است. آری! به قلم! به قلم. قسم به قلم و آنچه می‌نگارد. شما عالمان فرداها هیچ وقت نمی‌توانید از قلم دور باشید» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۷). در مورد خواندن آثار پارسی‌نژاد به دستگاه فکری نظام‌مند و روش‌محور می‌توان اشاره کرد. پیش از همه در رویکرد هستی‌شناسی، مثال‌هایی از خداباوری و حرکت رشد انسان به سوی وجود احدیت دیده می‌شود. همچنین، وی در برخورد با عنصرهای جهان هستی از روشی طبیعت‌گرایانه و تفسیری استفاده کرده است. از دیدگاه مخاطب، نویسنده نوعی بینش جامعه‌شناختی دارد. وی توانسته در قالب جستار ایستایی‌شناسی با بیشتر اثرهایش از جمله: «تو را خانه‌ای هست»، «خورشید می‌ماند» و «خورشید در آتش»، شرایط موجود روزگار خویش و قشرهای مختلف جامعه را مورد نقد قرار دهد. البته پارسی‌نژاد به توصیف و تحلیل مسائل اجتماعی قانع نشده و به طور ضمنی در آثارش به جستار پویایی‌شناسی بینش جامعه‌شناسانه نیز افزوده است. او به دنبال روشی برای برون‌رفت از شرایط موجود به ترسیم جامعه آرمانی خود است. به روشنی بیان می‌کند که انسان فقط زمانی می‌تواند شرایط نامطلوب خود را تغییر دهد که نسبت به آن شناخت کامل یابد. در غیر این صورت، هیچ عامل بیرونی نخواهد توانست در مسیر بهبود جامعه کاری را پیش ببرد. از راه شناخت جامعه‌شناسانه آثار کامران پارسی‌نژاد می‌توان به نقطه‌های مبهم تاریخ اجتماعی و نوع کنش جمعی افراد جامعه پی برد.



بحث و بررسی الگوی تخیل جامعه‌شناختی آثار اتوسا صالحی

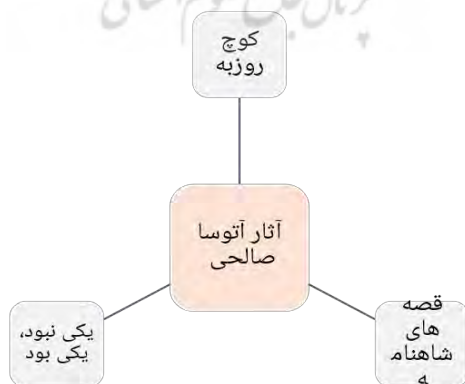
بازآفرین در درجهٔ اول خود یک خواننده می‌باشد. بازآفرین، متنی را خوانده و خواندن خود را به یک متن دیگر مبدل کرده است. به این شکل، بازآفرین خواننده‌ای است که خود به روایت‌کننده تبدیل شده است. در همین‌جا اولین بازنگری روایت‌شناختی اتفاق می‌افتد. در متن قدیمی، حضور همیشگی و مسلطِ راوی، راه را برای حضار دیگری و خوانش دیگرگونه باز نمی‌کند؛ اما چنان‌که پل دومان، از نقدکنندگان طرفدار شیوهٔ واسازی در امریکا بیان می‌کند: «متن‌ها همیشه در حال واسازیِ خویشند (اشمیتس، ۱۳۹۰: ۱۵۸). به سخن دیگر، با هر خوانشی واسازی رخ می‌دهد، حتی اگر راویِ مقتدر و مسلطِ متن چنین هدفی مدنظرش نباشد.

الف) کوچ روزبه: داستان کوچ روزبه و خانواده‌اش را با پس‌زمینهٔ نقاشی‌های رنگارنگ و چشم‌نوازِ حسام‌الدین طباطبایی به تصویر کشیده است. در این داستان کودکان با زندگی عشایر ایران روبه‌رو می‌شوند و دربارهٔ رسوم و فعالیت‌های روزمرهٔ این مردم مطالعه می‌کنند. تصاویر کتاب که روزبه و خانواده‌اش را در دامان طبیعت سبز و شاد نشان می‌دهد، ارتباط نزدیک مردم عشایر را با طبیعت یادآور می‌شود. عشایر از جمله از اقوام ایرانی به شمار می‌روند که زندگی قبیله‌ای داشته‌اند و برای دامپروری و امرار معاش و دوری از سرما یا گرمای زیاد، امرار معاش‌شان از طریق زندگی کوچ‌نشینی است. فعالیت‌های روزانه‌ی مردم عشایر در دامان طبیعت می‌گذرد و مثل هر قوم دیگری، آداب و رسومی داشته‌اند که مخصوص خودشان است. اما شاید کودکان چندان با زندگی کوچ‌نشینی و مهاجرت در ارتباط تنگاتنگ نباشند. این کتاب با نثری شاعرانه، سفری رنگارنگ را برای کودکان هدیه به ارمغان می‌آورد که آن‌ها را به‌شکلی جذاب و سرگرم‌کننده با مفهوم مهاجرت روبه‌رو می‌کند. ابرها کوچ می‌کنند. آب کوچ می‌کند. عشایر هم که دوست آب و خاکند، دست به دست هم می‌دهند، با تغییر فصل‌ها مهاجرت می‌کنند و به جایی بهتر و سبزتر می‌روند. روزبه کودکی عشایر است که دائماً در کوچ زندگی می‌کند. وقتش که برسد، همراه با خانواده‌اش از میان راه‌ها و کوه‌ها و رودها عبور می‌کنند و زندگی‌شان را به

طبیعتی مناسب‌تر منتقل می‌کنند.

ب) قصه‌های شاهنامه: اگرچه از شاهنامه بسیار گفته و نوشته‌اند، هنوز ناشناخته می‌باشد. هر درش به درهای بسیاری راه دارد که با گذر از هر یک به شگفتی‌های تازه‌ای خواهیم رسید. در این مجموعه سعی شده قصه‌های شاهنامه به زبان ساده؛ اما جذاب برای نوجوانان بیان شود.

ج) یکی نبود، یکی بود: «یکی نبود، یکی بود». نمونه‌ای از هجده داستان کوتاه نوشته آتوسا صالحي، نویسنده و مترجم کودک و نوجوان است. تصویرگری‌های بی‌نظیر و دیدنی این کتاب را نیز سحر خراسانی انجام داده: «یکی نبود، یکی بود». در دوران‌های جدید، آدمیزاد و بلبل و روباه و کلاغ و خیلی‌های دیگر آمدند در ذهن نویسنده که قصه‌هایی تازه می‌خواهیم. نویسنده شروع به نوشتن کرد اما این بار نه بز زنگوله پا گول می‌خورد و نه شیر سلطان جنگل بود و نه لاک‌پشت در مسابقه برده بود... و این طوری شد که نویسنده ماند و قصه‌هایی که نه قصه بودند و نه قصه نبودند. و این طوری شد که کلاغه به خانه‌اش رسید؛ اما قصه ما به سر نرسید» (صالحي، ۱۳۹۲: ۷). «آن روز نخستین صبحی بود که گل‌های باغ با صدای چهچهه بلبل و آواز گنجشک از خواب بیدار نمی‌شدند. آن روز، صدای گریه گلخراش خرزهره آن‌ها را از خواب بیدار کرد. خرزهره آه می‌کشید و مدام گریه می‌کرد. گل‌ها که پیش از این هرگز گریه گلی را ندیده بودند، غافلگیر شدند. گل نسترن گفت: «نشانه خوبی نیست. شوم است. توفان می‌شود.» گل مینا سرش را تکان تکان داد: «پرپر می‌شویم، همه‌مان پرپر می‌شویم، می‌دانم!» گل خرزهره هنوز داشت گریه می‌کرد که دل نازک گل سرخ به رحم آمد و گفت: «به جای دلجویی از این بیچاره، نشسته‌اید غصه خودتان را می‌خورید؟ بیایید ببینید این بدبخت، چه به روزش آمده». گل‌های دیگر که دوست نداشتند در مهربانی از گل سرخ کم بیاورند، دنبال حرفش را گرفتند. گل هفت‌رنگ، رنگ به رنگ شد و گفت: «واقعاً باید از خودمان خجالت بکشیم؟ از بس همیشه خندیده‌ایم، غم دیگران فراموشمان شده!» (صالحي، ۱۳۹۲: ۳۳).



بعضی بازسازی‌ها و بازآفرینی‌ها به قدری خلاقانه هستند که می‌توان نظاره کرد تعداد زیادی از ستون‌های ساختاری در داستان اصلی را به هم ریخته است داستان رستم و سهراب هزار و سیصد و نود و هفت از اتوسا صالحی یکی از آثار است که به بازنگری و بازآفرینی این داستان شهرت دارد و آن را خلاقانه در هم آمیخته است دقت به این مسئله مهم که خواننده نوجوان این بازآفرینی با خواننده بزرگسال شاهنامه تفاوت دارد، باعث ایجاد تفاوت‌هایی در روایت صالحی شده که باید آن‌ها را محصول واسازی صورت گرفته در متن اصلی شمرد. یکی از روایت‌کنندگان مهم در داستان رستم و سهراب سال رستم و سهراب صالحی سهراب است صالحی به مقدار جامعه مخاطب این بازنگری سهراب نوجوان را به عنوان قهرمان و مبارز یکی از راویان اصلی داستان انتخاب کرده است داستان با مسیر سرشار از عاطفه درونی راوی آغاز شده است. روایت با خطوطی سرشار از احساسات درونی روایت‌کننده آغاز شده است: «به راه می‌نگرم. نه می‌ایستم و نه باز می‌گردم» (صالحی، ۱۳۹۷: ۶). این که راوی از یک راوی سوم شخص دانای کل به یک راوی اول شخص نوجوان مبدل شده، از جمله‌ی اولین تغییراتی است که هر کس در باب این بازآفرینی درک می‌کند؛ اما تحلیل این تغییر در نظام فکری دریدایی و در چارچوب نگاه واسازانه، پرده از دگرگون شدن یک تقابل مهم برداشته است. در داستان سهراب و رستم و همین‌طور رستم و اسفندیار پیروز نهایی رستم می‌باشد؛ این در حالی است که در هر دوی این داستان‌ها قهرمانان مقابل یعنی اسفندیار و سهراب از رستم جوان‌تر و نیرومندترند. رستم تنها با تدبیر و یا استفاده از ساده لوحی و خامی سهراب می‌تواند بر او غلبه کند. داستان رستم در برابر اسفندیار و سهراب بیش از آن که داستان غلبه‌ی نیروی بازو باشد، داستان غلبه‌ی خرد، تدبیر و تجربه می‌باشد. قهرمان نوجوان صالحی دید کلیشه‌شکنی از نوجوانی به ما ارائه می‌دهد. صالحی، جوانی را که در شاهنامه محکوم به شکست است به زاویه دید اصلی داستان مبدل می‌کند. تقابل همیشگی و طولانی مدت جوانی در برابر پیری با روایتگری داستان از نگاه یک نوجوان دچار واسازی می‌شود. هر چند در داستان صالحی نیز در پایان، سهراب شکست خورده است؛ اما شکست سهراب در شاهنامه با شکست او در داستان صالحی متفاوت است.» (صالحی ۱۳۹۷: ۵۴). برای خواننده نوجوان دوره ما، در مقابل کهنه بودن پیر در برابر جوان یا به نوعی نمادی‌تر می‌توان گفت: رابطه پدر در مقابل پسر و رابطه ی نسل قدیم در برابر نسل جدید در میان این بازآفرینی‌ها از هم شکننده می‌شوند. در داستان شاهنامه نیز هیچ کدام از شخصیت‌ها روایت‌کننده اصلی نیستند فقط آن شخص که در میان گفتگوها برای مدت کوتاهی جریان روایت را از سر بگیرد شخصیت واقعی است. ناراحتی و درماندگی خود را با گویو بازگو می‌کند و نیز درحالی‌که چون بچه‌ای سر بر شانه او قرار داده است می‌گوید می‌دانی گویو از این جنگ خسته شده‌ام و فوق‌العاده دردناک است به دوش کشاندن امانت هزاران مادر پس را تا می‌کند زیر بار این همه

نیازها که بر شانه من سنگینی کرده است. (همان: ۱۶). گاهی به خیال‌بافی‌ها و تأملات بسیار احساسی شاعرانه زمان می‌گذراند. کلماتی که کمتر کسی انتظار دارد از دهان گندآوری چون رستم بشنود: «سال‌ها در آرزوی روزگاری شاد و آرام بودم، آینده را پر از نور و روشنی می‌دیدم، گلزاری و باغی و جشن و سروری با پسریم به شکار می‌رفتیم، شب با نغمه چنگ و عود سر بر بستری پرینان می‌گذاشتیم و سپیده دم با آواز بلبلان از خواب بیدار می‌شدیم» (همان: ۲۸). این مسئله که نقل بازآفرینی با نقل اصلی شاهنامه فرق دارد نبایستی شگفتی است و نه برای ما حائز اهمیت است آن‌چه مهم است دقت به خواندن بازآفرینی از داستان واقعی است داستان همون شکل داستان است و عناصر همان افراد و اتفاقات است که مکمل لهم هستند ولی دلیل این‌که بازآفرینی به چه شکل پایه‌های اصلی را فرو می‌ریزد و از چه مواد اولیه‌ای برای ساخت بنا با مهندس جدید استفاده می‌برد نقطه‌ی تمرکز نقد واسازی آن می‌باشد واسازانه می‌باشد.



نتیجه‌گیری

تخیل از دیدگاه حقیقی آن هم معنای توانایی خلق تصاویر ذهنی یا توانایی ذهن برای خلق و آفرینش و خلاق بودن را دارا است و هم ضامن نیروی فکری زیادی است که دربردارنده‌ی حقیقت است؛ حقیقتی که تحقق بیرونی دارد و یا به اصطلاح به‌خودی‌خود امکان‌پذیر باشد. نگارنده در این پژوهش به بحث و بررسی پیرامون الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات با تحلیل آثار کامران پارسی نژاد با عناوین: «تو را خانه‌ای هست»، «خورشید می‌ماند» و «خورشید در آتش» و آثار آتوسا صالحی با نام‌های: «کوچ روزبه»، «یکی نبود، یکی بود» پرداخت و با آوردن گزاره‌هایی از متن این آثار به اثبات وجود الگوی تخیل جامعه‌شناختی در این کتاب‌ها مبادرت ورزید و به این نتایج رسید:

۱- بازتاب الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات در آثار کامران پارسی نژاد و آتوسا صالحی در قالب چهار رویکرد «هستی‌شناسی»، «روش‌شناسی»، «ایستایی‌شناسی» و «پویایی‌شناسی» است.

۲- در آثار کامران پارسی نژاد همچون: «تو را خانه‌ای هست»، «خورشید می‌ماند» و «خورشید در آتش» عنصر «هستی‌شناسی» الگوی تخیل جامعه‌شناختی مشاهده می‌شود.

۳- در کتاب‌های آتوسا صالحی همانند: «کوچ روزبه» و «یکی نبود، یکی بود» بسامد به کارگیری عنصر «پویایی‌شناسی» الگوی تخیل جامعه‌شناختی بیش‌تر است.

۴- بازتاب الگوی تخیل جامعه‌شناختی در ادبیات، در آثار کامران پارسی نژاد بیش‌تر از آتوسا صالحی نمود می‌یابد، زیرا ساختار جامعه و ملزومات آن بیش‌تر در آثار کامران پارسی نژاد انعکاس یافته است. محیط ادبی نمی‌تواند از تأثیر محیط اجتماعی برکنار بماند. افکار، ذوق‌ها و اندیشه‌ها، تابع اوضاع اجتماعی است و رابطه نویسنده و شاعر با محیط و جامعه‌اش، نقشی را که ادبیات در جامعه ایفا می‌کند، مشخص می‌سازد. افرادی مشخص در جامعه هستند که علاوه بر توانایی و خلاقیت ذاتی هنری که دارند، دانششان نسبت به آرزوها و آمال، اهداف، خواسته‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای گروه اجتماعی خودشان به حداکثر میزان ممکن است. این شخص استثنایی پا را از آگاهی روزمره آن سوتر می‌نهد و به آن توانایی دست پیدا می‌کند تا بر فراز آگاهی طبقه خویش قرار گیرند و مسئولیت‌ها و مقوله‌های طبقاتی را به گونه‌ای مشخص و با شکلی دقیق، بیان دارند.

فهرست منابع

فارسی

کتاب‌ها

۱. پارسی نژاد، کامران. (۱۳۸۸)، خورشید می ماند، تهران: اندیشه جوان.
۲. تنهایی، حسین. (۱۳۹۰)، خورشید در آتش، تهران: سوره مهر.
۳. تنهایی، حسین. (۱۳۹۷)، تو را خانه ای هست، تهران: عهد مانا.
۴. تنهایی، حسین. (۱۳۹۲)، جامعه شناسی نظری: مبانی، اصول و مفاهیم، تهران: بهمن برنا.
۵. زرافا، میشل. (۱۳۶۸)، جامعه شناسی ادبیات داستانی، ترجمه نسرين پروینی، تهران: فروغی.
۶. زیما، پیرو. (۱۳۷۷)، جامعه شناسی رمان از نظرگاه گلدمن، مترجم محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
۷. ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۸)، جامعه شناسی در ادبیات فارسی، تهران: آوای نور.
۸. سلدن، رامن و ویدوسون، پیتر. (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
۹. سی رایت میلز، چارلز. (۱۳۹۱)، بینش جامعه شناختی، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۹)، مکتب های ادبی، تهران: کتاب زمان.
۱۱. شریعتی، سارا. (۱۳۸۶)، هانری دروش: جامعه شناسی در مواجهه با دین، تهران: کوچک.
۱۲. شفيعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰)، موسیقی شعر، تهران: آگاه.
۱۳. صالحی، آتوسا. (۱۳۸۹)، مجموعه قصه های شیرین شاهنامه (مجموعه دوازده جلدی)، تهران: افق.
۱۴. صالحی، آتوسا. (۱۳۹۷)، قصه های شاهنامه؛ رستم و سهراب، تهران: افق.
۱۵. صالحی، آتوسا. (۱۳۹۶)، کوچ روزبه، تهران: افق.
۱۶. صالحی، آتوسا. (۱۳۹۲)، یکی نبود، یکی بود، تهران: پیدایش.
۱۷. لوونتال، لئو. (۱۳۹۰)، رویکرد انتقادی در جامعه شناسی ادبیات، ترجمه محمدرضا شادرو، تهران: نی.
۱۸. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱)، جامعه شناسی ادبیات، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.

۱۸. گلدمن، لوسین. (۱۳۸۱)، جامعه، فرهنگ و ادبیات، گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: چشمه.

۱۹. ندیم خشفه، محمد. (۱۹۷۷)، تأویل النص، بیروت: مرکز الانماء الحضاری.

مقالات

۲۰. اسعدی فیروزآبادی، طحانی، احمد. (۱۳۹۴)، «بررسی جامعه‌شناختی رمان پریچپر»، دو فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی، ۳(۳)، بهار و تابستان ۹۴، صص ۲۲-۷.

۲۱. انواری، آرزو. (۱۳۸۵)، «بازآفرینی مهجور، بازنویسی معدود»، (۴۷)، صص ۱۱۱-۱۱۵.

۲۲. بخارایی، احمد و توکلی، عاطفه. (۱۳۹۵)، «الگوهای تخیل اجتماعی در رادیو و رسانه‌های تولید کاربر مجازی»، ۲۳(۲)، تابستان ۹۵، صص ۱۲۴-۱۰۵.

۲۳. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۵)، «تخیل هنری از دیدگاه شیخ اشراق»، (۵)، صص ۵۸-۵۹.

۲۴. تمیم‌داری، احمد و نوتاش، مریم، کاظمی‌نسب، ملیحه. (۱۳۹۷)، «جامعه‌شناسی ادبیات؛ کاربرست الگوی تخیل جامعه‌شناختی در تحلیل اشعار فروغ فرخزاد»، متن‌پژوهی، ۲۲(۷۷)، پاییز ۹۷، صص ۳۴-۱.

۲۵. شریعتی، سارا. (۱۳۸۵)، «جامعه-انسان‌شناسی تخیل، خیال، شماره»، صص ۸۸-۹۸. قنبری، بیتا و دایی‌زاده جلودار، امین (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی آثار سیمین دانشور»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۷(۴)، زمستان ۹۵، صص ۱۵۷-۱۳۱.

۲۶. نیو، کریستوفر. (۱۳۹۶)، «تخیل و ادبیات»، ترجمه شهناز صاعلی، شماره سوم، صص ۵-۱.

۲۷. ولی‌پور هفشجانی، شهناز. (۱۳۷۸)، «لوسین گلدمن و ساخت‌گرایی تکوینی»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال ۷(۲۵)، صص ۱۴۳-۱۲۹.

انگلیسی

Books

28.C. Wright Mills, Charles (2012), Sociological Insights, Trans. Abdolmabood Ansari, Tehran: Enteshar Joint Stock Company. [In Persian]

29.Goldman, Lucien (1992), Sociology of Literature, Trans. Mohammad Jafar Pouyandeh, Tehran: Hosh and Ebtakar. [In Persian]

30.Goldman, Lucien (2002), Society, Culture and Literature, Selected and Trans. Mohammad Jafar Puyandeh, Tehran: Cheshmeh. [In Persian]

31.Lowenthal, Leo (2011), A Critical Approach in the Sociology of Literature, Translated by Mohammad Reza Shadro, Tehran: Ney. [In Persian]

32. Nadim Khashfa, Muhammad (1977), Rooting the Text, Beirut: Center for Civilizational Development. [In Persian]
33. Parsinejad, Kamran (2009), The Sun Remains, Tehran: Andisheh Javan. [In Persian].
34. Salehi, Atoosa (2010), A Collection of Sweet Stories of Shahan. [In Persian].
- Salehi, Atoosa (2010), The Collection of Sweet Stories of Shahnameh (Twelve-Volume Collection), Tehran: Ofoq. [In Persian].
35. Salehi, Atoosa (2018), Tales of Shahnameh, Rostam and Sohrab, Tehran: Ofoq. [In Persian].
36. Salehi, Atoosa (2017), Koch Roozbeh, Tehran: Ofoq. [In Persian].
37. Salehi, Atoosa (2013), There Was No One, There Was One, Tehran: Genesis. [In Persian].
38. Selden, Raman & Widdowson, Peter (2005), A Guide to Contemporary Literary Theory, Trans. Abbas Mokhber, Tehran: Tarh-e-No
39. Seyed Hosseini, Reza (2010), Literary Schools, Tehran: Book of Time. [In Persian].
40. Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1991), Music of Poetry, Tehran: Agah. [In Persian].
41. Shariati, Sara (2007), Henri Daroush: Sociology in the Face of Religion, Tehran: Koochak. [In Persian].
42. Sotoudeh, Hedayatullah (1999), Sociology in Persian Literature, Tehran: Avaye Noor. [In Persian].
43. Tanhaei, Hossein (2013), Theoretical Sociology: Foundations, Principles and Concepts, Tehran: Bahman Borna. [In Persian].
44. Zarafa, Michel (1989), Sociology of Fiction Literature, Trans. Nasrin Parvini, Tehran: Foroughi. [In Persian]
- Zima, Piro (1998), The Sociology of the Novel from Goldman's Point of View, Translated by Mohammad Jafar Pouyandeh, Tehran: Naqsh-e-Jahan.

Articles

45. Anvari, Arezoo (2006), "Abandoned Recreation, Rewriting of the Few", , No. 47, pp. 111-115. [In Persian].
46. Asadi Firouzabadi, Tahani, Ahmad (2015), "A Sociological Study of the novel Parichehr ", Biannual Journal of Fiction Studies, Vol. 3, No. 3, Spring & Summer 2015, pp. 7-22. [In Persian].
47. Bokharaei, Ahmad and Tavakoli, Atefeh (2016), "Social Imagination Patterns in Radio and Virtual User-Production Media", Year23, Issue2, Summer2015. Pp. 105-24 [In Persian].
48. Bolkhari Ghahi, Hassan. (2006), "Artistic Imagination from the Perspective of Sheikh Ishraq", Issue 5, pp. 58-59. [In Persian].

49. Ghanbari, Bita and Daeizadeh Jellodar, Amin (2016), "Sociological Analysis of Simin Daneshvar's Works", Cultural Sociology, Year 7, Issue 4, Winter 95, pp. 157-131. [In Persian].
50. New, Christopher. (2017), "Imagination and Literature", Trans. Shahnaz Sa'ali, issue 3, pp. 1-5. [In Persian].
51. Shariati, Sara. (2006), "Sociological Anthropology of Imagination", Khial Quarterly, Issue, pp. 88-98. [In Persian].
52. Tamim-dari, Ahmad and Notash, Maryam, Kazemi-nasb, Malihe. (2018), "Sociology of Literature; Application of Sociological Imagination Model in the Analysis of Forough Farrokhzad's Poems", Textual Studies, Year 22, Issue 77, Fall 97, pp. 1-34. [In Persian].
53. Taslimi, AAli6 (2009), "Analysis of Three Drops of Blood. with a Structuralist Sociological Approach", Literary Studies Journal, Issue 7 and 8, pp. 188-171. [In Persian].
54. Valipour Hafshjani, Shahnaz. (2000), "Lucien Goldman and the Formative Constructivist", Journal of the Faculty of Humanities, Semnan University, year 7, issue 25, pp. 129-143. [In Persian].

